

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اکبر نوروزی

۱۴ جنوری ۲۰۲۱

کشتار دانشجویان دانشگاه [پوهنتون] کابل، یکی از نتایج اشغال افغانستان

در ۱۲ آبان [عقرب] ۱۳۹۹ برابر با دوم نومبر سال ۲۰۲۰، انفجار مهیبی در دانشگاه کابل رخ داد که بنا به گزارش وزارت صحت افغانستان، در اثر آن ۲۲ نفر که تعداد زیادی از آنان دانشجویان دختر بوده اند کشته شدند و ۲۲ نفر دیگر هم زخمی گشتند. این انفجار که یک اقدام تروریستی بود، جنایتی را موجب شد که بار دیگر نگاه تمام نیروهای انقلابی و آزادیخواه جهان و به ویژه مبارزان ایران را به وضعیت کنونی افغانستان و شرایط زندگی و مبارزه توده های تحت ستم این کشور جلب می کند که در یک جبهه با دشمن مشترک یعنی امپریالیسم و مزدوران رنگارنگش در ایران و افغانستان می جنگند.

همه می دانند که از زمان اشغال افغانستان توسط امپریالیسم امریکا و شرکای امپریالیستش روزی نبوده که در آن انفجاری رخ ندهد و یا مردم ستمدیده آن شاهد حمله ای تروریستی نبوده باشند.

افغانستان جزء کشورهایی محسوب می شود که سالهاست مردم آن مورد هجوم و تجاوز نیروهای اشغالگر امپریالیستی قرار گرفته اند و روزی نیست که مردم جهان شاهد کشتار، تجاوز، حمله انتحاری و غیره در این کشور نباشند. بر این اساس، تا زمانی که نیروهای سرکوبگر امپریالیستی و نیروهای دست نشانده آنان مانند گروه های طالبان، داعش و غیره که وظیفه شان کشتار و چپاول و خونریزی است، در این کشور به فعالیت مشغولند، به رغم ادعاهای فریپکارانه ای که در باره رسیدن به استقلال، دموکراسی و صلح و ثبات و کشوری بدون تروریسم دارند، همانطور که شاهد آن هستیم چیزی به جز مرگ و نیستی و تشدید چپاول و سرکوب خلقهای تحت ستم از آن دیده نخواهد شد. پر واضح است که چنین کشتارها و جنایتهایی با خشم و نفرت نیروهای آگاه و مردم مبارز و شریف افغانستان روبه رو می گردد. در همین راستا و بعد از حمله به دانشگاه کابل، دانشجویان آگاه و مبارز و معترض به این حمله، با واکنش گسترده و آگاهانه خود، شعارهایی علیه دولت دست نشانده افغانستان و گروه های طالبان و داعش سر داده و همه آنها را محکوم کردند.

طبیعی است که کشتار در دانشگاه کابل و جنایات ناشی از آن نه اولین مورد می باشد و نه آخرین مورد خواهد بود. در مهر ماه [میزان] هم انفجاری در مرکز آموزشی محله ای که عمدتاً ساکنین آنان را مردم شیعه مذهب تشکیل می دهند، به نام دشت برچی کابل، رخ داد که طی آن ۲۴ دانش آموز کشته و بیش از ۱۰۰ نفر زخمی گردیدند. همچنین در حدود

۲ ماه قبل نیز یک انفجار در دانشگاه خصوصی جهان در ناحیه هشتم منطقه "کارته نو" شهر کابل به وقوع پیوست، و یا در تابستان سال گذشته یک انفجار انتحاری در مقابل در ورودی دانشگاه کابل انجام گرفت که ۸ کشته و ۳۲ زخمی به جای گذاشت. بنابراین شاهد آن هستیم که به رغم ادعای تلاش برای برقراری صلح توسط امریکا و وابستگانش حملات و کشتارهای گروه های وابسته و تروریستی مانند طالبان و داعش علیه مردم رنج دیده افغانستان هر روز ابعادی گسترده تری به خود می گیرد.

در پی انفجار مزبور و قتل عام دانشجویان دانشگاه کابل، و وجود گزارشات ضد و نقیض که همگی در خدمت مخدوش کردن این جنایت و عاملان آن می باشد، امرالله صالح معاون اول رئیس جمهور افغانستان اقدام تروریستی حمله به دانشگاه کابل را به طالبان نسبت داد. این در شرایطی بود که داعش مسئولیت این حمله را به عهده گرفته و عکسی هم از دو مهاجم نقابدار را منتشر کرد که به گفته آنان مراسم "فارغ التحصیلی قضات و بازرسان" را هدف قرار داده بودند، و گروه طالبان با انتشار اعلامیه ای عنوان کرد که در این حمله دست نداشته است. اما، باز معاون اول رئیس جمهور افغانستان که یکی از منتقدان سر سخت طالبان می باشد، بیانیه گروه داعش را "جعلی" توصیف کرده و اعلام کرد که سلاح های یافت شده در صحنه با عکسی که داعش منتشر کرده مطابقت ندارد. همچنین امرالله صالح به "پرچم طالبان" که ظاهراً در محل حمله پیدا شده به عنوان مدرکی اشاره کرده و گفته است که آن انفجار کار گروه طالبان بوده و گروه داعش در آن نقشی نداشته است.

این ضد و نقیض گویی ها بیانگر وجود تضاد ها و اختلافات درون دارو دسته های مختلف در افغانستان می باشد که هر یک به منظور خاصی شکل گرفته و یا به قدرتی وابسته اند که در نهایت به سود استعمارگران و به ویژه امپریالیسم امریکا فعالیت می کنند. وجود چنان تضادها و اختلافاتی است که سبب می شود پس از هر واقعه تروریستی که در افغانستان صورت می گیرد هر یک از دارو دسته های دست اندر کار، بنا به منافع خود، آن را به دیگری نسبت دهد و البته آن چه در این میان نادیده گرفته شده و به حاشیه رانده می شود همان شرایطی است که به چنین گروه های تروریستی امکان موجودیت و اظهار وجود می دهد. برآستی اگر امپریالیسم امریکا افغانستان را اشغال نکرده بود و دولت دست نشاندۀ خود را در کابل به قدرت نرسانده بود و به دستاویزهایی جهت اشغال این کشور نیاز نداشت، طالبان و داعش که هر یک به شکلی به همین امپریالیست ها وابسته اند چگونه زمینه فعالیت می یافتند؟ اما واضح است که امروز هم چون گذشته وجود آنها برای توجیه ادامه حضور نظامی امریکا و ناتو در این کشور ضروری است.

انفجار های اخیر در افغانستان در شرایطی رخ می دهند که دولت امریکا در امارات متحدۀ عربی [قطر] با طالبان در حال مذاکره می باشد و به دنبال این مذاکرات و توافقات انجام شده حتی دولت دست نشاندۀ اشرف غنی که در ابتداء از مذاکره بدون اطلاع خود با طالبان گله می کرد حال خود نیز با طالبان به مذاکره مشغول است و برای رسیدن به توافق با گروهی که آن را تروریستی می نامد، زندانیان طالبان را دسته دسته آزاد می کند. این واقعیات نشان می دهند که ارباب چگونه نوکران خود را از یک سو به جان هم می اندازد و از سوی دیگر آنها را به پای میز مذاکره کشانده و به خود چهره یک ناجی می بخشد. تمام این ها به منظور ایجاد شرایط برای تسهیل تداوم استثمار و غارت زحمتکشان و خلقهای تحت ستم افغانستان و جلوگیری از تشکل مستقل و انقلاب آنهاست.

جالب است که حدوداً سه هفته پس از حمله به دانشگاه کابل و قتل عام دانشجویان، کنفرانس دو روزه ای به تاریخ ۲۴ نومبر ۲۰۲۰ در ژنیو برگزار گردید که به دلیل محدودیت های کرونا این جلسه به صورت مجازی برگزار شد. موضوع اصلی کنفرانس صلح و پایان جنگ در افغانستان بود و مایک پومپئو، وزیر خارجه امریکا به تلاشهای اقتصادی دولت افغانستان به خصوص در زمینه سازی برای رشد بخش خصوصی در این کنفرانس تأکید کرد. بنابراین

کشوری که هر روز شاهد جنگ و کشتار و چپاول توسط گروه های ارتجاعی و دولت مرکزی امپریالیست ساخته است، نمایندگان جناح های مختلف کشورهای امپریالیستی با عوامفریبی تحت عنوان شعارهای صلح و دموکراسی، امروز برایش نسخه می پیچند و خواستار زمینه سازی برای رشد و گسترش بخش خصوصی می گردند. سیاستی که جز فقر و تیره روزی بیشتر برای مردم افغانستان و از سوی دیگر تسهیل سود اندوزی و شرایط غارت منابع طبیعی و ثروتهای افغانستان توسط نهاد های امپریالیستی نظیر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سرمایه داران غارتگر نخواهد داشت. در واقع، نیروهای اشغالگر که خود از گردانندگان اصلی این جنگهای ویرانگر و بحران ها می باشند، تنها هدف شان فقط سودهای کلان برای خود می باشد.

قابل توجه است که نائومی کلاین "Naomi Klein" نویسنده کتاب دگرترین شوک (ظهور سرمایه داری فاجعه محور) به چنین واقعیت هائی توجه داشته و در کتاب خود به سودی که سرمایه داران از بحران ها و جنگ ها به جیب می زنند پرداخته است. وی در این رابطه با سؤالی که از او در رابطه با "سرمایه داری فاجعه" چیست؟ می شود در قسمتی به آن چنین جواب می دهد: "روشی که من سرمایه داری فاجعه را تعریف می کنم بسیار ساده است، نشان می دهد که چگونه صنایع خصوصی به طور مستقیم از بحران های کلان سود می برند، سودزائی از جنگ ها و فاجعه ها موضوع جدیدی نیست اما واقعاً در دولت بوش پس از یازده سپتمبر عمیق تر شده به طوری که دولت آن را بحران امنیتی پایان ناپذیر، اعلام کرده و همزمان آن را ضمن خصوصی سازی در جهان اجراء نموده، دولت نظام امنیتی خصوصی شده را هم در داخل و هم در دو کشور اشغال شده عراق و افغانستان به کار بست." می بینیم که یکی دیگر از اهداف کشورهای سرکوبگر امپریالیستی طی سالیان گذشته به خصوص پس از یازده سپتمبر و اخیراً در پی مذاکرات حکومت دست نشاندۀ افغانستان با طالبان، وارد کردن شوک های گوناگون به جامعه و مردم مانند حملات گسترده گروه های طالبان و غیره به ولایات، آموزشگاه ها، دانشگاه ها، حملات انتحاری، می باشد تا جایی که دیگر مردم افغانستان امروز در کوچه و خیابان های خود احساس امنیت ندارند و برای بقاء، خود را مجبور به قبول هر شرایطی می بینند. آن هم در اوضاع و احوالی که اکثریت جامعه در فقر، بیکاری و فلاکت به سر می برد.

یکی از حربه های دروغین کشورهای اشغالگر در افغانستان شعارهای دفاع از حقوق بشر، صلح و دموکراسی و غیره می باشد اما کیست که نداند عملکرد ارتش اشغالگرشان به جز کشتار و ویرانی و هزاران مصیبت چیز دیگری نداشته و نمی تواند داشته باشد و عملکرد آنان دقیقاً نقض حقوق بدیهی مردم افغانستان است. امروز خون ریخته شده از دانشجویان، دانش آموزان، کارگران، زحمتکشان، زنان، کودکان و غیره در افغانستان، افشاگر مرتجعینی است که امپریالیست ها و گروه های وابسته به آن ها را "ناجی" مردم درد کشیده و تحت ستم قلمداد می کنند و مدعی اند که گویا این نیرو ها، دموکراسی و حقوق بشر (قلابی) را به کشورهائی مانند افغانستان و عراق و لیبیا و یا دیگر کشورهای تحت سلطه آورده و یا خواهند آورد. این ها، همان جاده صاف کن های چنین جنایتکاران تاریخ هستند، همان مرتجعینی که جنایت های وحشیانه امپریالیست ها را با نام تقابل "مدرنیسم" با "ارتجاع" اسلامی توجیه می کنند. اما، جنایت های نیروهای وابسته به امپریالیسم در افغانستان و اخیراً در دانشگاه کابل لکه ننگی بر پیشانی آن هاست.

تجربه نشان داده است که آزادی، صلح و دموکراسی و غیره با سر نیزه قدرت های امپریالیستی نمی تواند به دست آید و تا زمانی که نیروهای اشغالگر امپریالیستی کشوری را تحت اشغال و سلطه خود داشته باشند، این جنایت ها و خیانت ها همیشه رخ خواهند داد.

مردم رنج دیده و درد کشیده افغانستان تنها زمانی می توانند به آرزوهای صلح خواهی خود و رهائی از ظلم و ستم حاکمان وابسته به امپریالیسم، جامعه عمل بپوشانند که با قدرت خودشان دشمنان کشورشان را به زباله دان تاریخ

بسیارند. بی شک مردم رنج‌دیده افغانستان با پیشاهنگی نیروهای مبارز و آگاه جامعه در مسیر مبارزه علیه امپریالیسم و نیروهای وابسته به آن در کشور خود، روزی به گوهر رفاه و آزادی دست خواهند یافت.

آذر [قوس] ۱۳۹۹

به نقل از: پیام فدائی ، ارگان چریک‌های فدائی خلق ایران

شماره ۲۵۷ ، آذر ماه [قوس] ۱۳۹۹